

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ مارچ ۲۰۲۰

کدام یک خود را ارزان فروخت: "دونالد ترمپ" و یا "غنی احمدزی"؟

۲

چهارشنبه- ۲۱ حوت ۱۳۹۸ - کابل:

۲- در این بخش قبل از آن که به معامله صورت گرفته بین "غنی احمدزی" و "پمپئو" به نمایندگی از "ترمپ" بپردازیم، نخست از همه می بینیم که آیا کاری که می خواهد صورت گیرد، بر مبنای قوانین حاکم در افغانستان اشغالی پایه، مبنا و مشروعیت قانونی دارد و یا خیر؟

الف: از لحاظ قانونی:

در "قانون اساسی" دولت دست نشانده که به اراده و زیر نفوذ مستقیم اشغالگران و جهت حفظ منافع آنها به وجود آمد، در ماده ۶۴ آن رهایی زندانیان از صلاحیت شخص رئیس جمهور شمرده شده است. در عین قانون در ماده ۶۶ آن ضمن طرح اهداف بلند بالائی برای انجام چنان کاری، به صورت مستقیم صلاحیت رهایی زندانیان از جانب رئیس جمهور را به "قانون جزای" کشور به مثابه مکمل محدود کننده صلاحیت ها گره می زند.

در "قانون جزاء" که از جانب پارلمان دولت دست نشانده تصویب و بعد از توشیح رئیس جمهور در زمانش و نشر آن در جریده رسمی به مثابه مکمل و بستر عملی قانون اساسی به کار گرفته شده است در ماده ۱۵۴ آن که الی ۱۵۷ عین موضوع را با جزئیات به بحث می گیرد، صریحاً تذکار یافته است که رئیس جمهور کلاً در هفت مورد، قصاص نفس، مجرم متکرر، جنایت علیه بشیرت، جنایت جنگی، اختلاس و خیانت به کشور و ... صلاحیت ندارد تا کسی را از زندان رها نماید.

در مواد همین قانون به صراحت بر دو نکته دیگر نیز تأکید صورت گرفته است: نکته نخست عدم صلاحیت رئیس جمهور و یا هر مقام دیگری من جمله مقامات قضائی در عفو و بخشیدن "حق العبد"، نکته دوم که قید شده است "عفو مجرم" است. یعنی تا کسی از لحاظ قانونی به اساس صدور حکم محکمه "مجرم" شناخته نشده است هیچ کسی من جمله رئیس جمهور و قاضی نه حق دارد وی را مجرم خطاب کند و نه هم حق دارد وی را عفو کند، مگر این که خرنوال مربوطه "اتهام جرم" را پس بگیرد و حد اقل عمل صورت گرفته را اگر درست نمی داند، "مباح" اعلام بدارد.

مورد دیگری که حین رهایی زندانیان مطرح می گردد، روشن شدن این نکته است که مشخص گردد آیا زندانی به اساس "عفو عمومی" از بند رها می گردد و یا "عفو خصوصی". قانون در مورد عفو عمومی به آنچه در یک نظام جرم گفته

می شود، به آن حرکتی اطلاق می گردد که علیه نظام صورت گرفته باشد. مصداق حرکت طالب- قانون عفو عمومی را در این دست زمانی پیش بینی می نماید که "نظام" مطلقاً تغییر یابد و بر مبنای تغییر نظام، حرکت در مقابل آن جرم شمرده نشود، در نتیجه زندانیان آن شامل عمومی می گردد، در مورد کنونی از آنجائی که تا حال اعلام نشده است که نظام کنونی دیگر مدار اعتبار نیست، لذا موضوع "عفو عمومی" قابل طرح نیست، بلکه مسأله، مسأله "عفو خصوصی" است. - در جریان چهار دهه گذشته مسأله "عفو عمومی" بار بار به مثابه یک بازی کثیف تکرار شده است. بادر نظر داشت قوانین نافذ در دولت دست نشانده و تعیین حدود صلاحیت های رئیس جمهور، "غنی احمدزی" و یا هم "عبدالله عبدالمود" حق ندارند ۵۰۰۰ زندانی را از بند رها سازند، زیرا:

*- تا هنوز دعوی این که کدام یک رئیس جمهور افغانستان است، عملاً رفع نشده است و هیچ معلوم هم نیست که این دعوا سرانجام به کجا می انجامد.

*- از جمع ۵۰۰۰ زندانی طبق ادعای برخی از منابع، حدود ۷۰۰ تن آنها زیر حکم قصاص قرار دارند. یعنی آنهایی اند که بر مبنای قانون جزا ماده ۱۵۴ رئیس جمهور صلاحیت عفو آنها را ندارد.

*- به اساس حکم منابع آگاه، از جمع ۵۰۰۰ زندانی، حد اقل ۵۰ درصد از آنها کسانی اند که تا هنوز از جانب محکمه مجرم شناخته نشده اند.

*- در جمع زندانیان تعداد زیادی از آنها کسانی که اند که به نقض حقوق بشر، جنایت جنگی، اشتغال در تولید و تجارت مواد مخدر، تروریست های خارجی از چینی و پاکستانی گرفته تا تاجیکستانی، روسی و چینی وجود دارند، که باز هم رئیس جمهور صلاحیت رهایی آنها را از زندان ندارد و رها کردن آنها از زندان تخطی صریح از احکام قانون نافذ کشور من جمله قانون اساسی و قوانین مکمل آن در اینجا قانون جزم می باشد.

ادامه دارد